



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته جامعه‌شناسی

**عنوان:**

# **هویت ایرانی از دیدگاه متفکرین اجتماعی**

**استاد راهنما**

**جناب آقای دکتر محمد سعید ذکایی**

**استاد مشاور**

**جناب آقای دکتر علی انتظاری**

**دانشجو**

**حسین نجفی**

**زمستان ۱۳۹۱**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته جامعه شناسی

**عنوان:**

# **هویت ایرانی از دیدگاه متفکرین اجتماعی**

**استاد راهنما**

**جناب آقای دکتر محمد سعید ذکایی**

**استاد مشاور**

**جناب آقای دکتر علی انتظاری**

**دانشجو**

**حسین نجفی**

**زمستان ۱۳۹۱**

## مشکر و قدردانی

از اساتید گرامتقدیر جناب آقای دکتر سعید دکانی که به عنوان استاد راهنما و جناب آقای

دکتر علی انتظاری که به عنوان مشاور این تحقیق، بنده را یاری کرده اند مشکرم و برای ایشان

آرزوی سربلندی و سرفرازی را دارم.

## چکیده

هویت ایرانی یکی از مهم ترین دل مشغولی روشنفکران ایرانی در دهه های اخیر بوده است به طوری که عموم ایشان درباره موضوع هویت ایرانی آثار متعددی ولی متفاوتی را نگاشته اند. علت تفاوت و گاهی اوقات تضادها دیدگاه ها درباره هویت ایرانی دغدغه اصلی این پژوهش بوده است. که این امر با توجه به تحولات اجتماعی دهه های اخیر ایران اهمیت مضاعفی به موضوع داده است.

در چارچوب مفهومی تاکید می شود که هویت ایرانی از سه حوزه ایران ، دین و غرب متاثر است و نسبت اندیشه های متفکرین منتخب (رجایی، افروغ ، طباطبایی ، داوری ، سروش ، کچویان) با این سه حوزه اساس کار تحقیق خواهد بود.سوالات تحقیق نیز بر همین اساس شکل می گیرد. در سوال اول سعی می شود هویت از منظر متفکرین تعریف و نظرگاه آنان(فلسفی ، جامعه شناختی و...) مشخص شود. در سوال بعدی به مقوله بحران در هویت ایرانی پرداخته و سپس به عناصر تشکیل دهنده هویت ایرانی توجه شد. و در نهایت تبیین سه عنصر ایرانیت ، دین و غرب و چگونگی رابطه های این سه عنصر و سهم شان در هویت ایرانی مهم ترین سوالات تحقیق بوده است.

روش: در این تحقیق از روش تحلیل محتوی کیفی و تکنیک تلخیص مایرینگ استفاده شده و برای ارائه گزارش نیز روش مضمونی (تماتیک) به کار رفته است و مطالب در تم های مختلف بیان شد.

یافته ها : همه متفکرین هویت را در معنای کیستی ایرانی که در برابر غیر معنا پیدا می کند می دانند. برخی مانند سروش ، رجایی و طباطبایی هویت ایرانی را دارای بحران و برخی دیگر مانند افروغ و کچویان این مطلب را نمی پذیرند. مهم ترین یافته پژوهش به نسبت غرب و دین بر می گردد ، به طوریکه علقه ایدئولوژیک متفکرین را تا حدودی مشخص می کند. کسانی که جهان بینی دینی دارند ،

اصلی ترین مولفه هویت ایرانی را دین دانسته اند که در تمام حیات اجتماعی ایرانی حضور دارد و بر حفظ آن در تمامی عرصه ها تاکید دارند. در مقابل این گروه طباطبایی بر هویت متأثر از غرب و افرادی مانند سروش بر رجایی بر هویت متکثر و چندگانه ایرانی تاکید دارند ، که مولفه های آن هیچ ارجحیتی بر یکدیگر ندارند. و رد نهایت غرب را نه در مقابل دین بلکه در کنار هم تحلیل می کنند.

## فهرست مطالب

۱-۱۸.....	فصل اول: کلیات تحقیق
۱۹-۱۰۰.....	فصل دوم: چارچوب مفهومی
۱۰۱-۱۱۴.....	فصل سوم: روش شناسی
۱۱۵-۲۱۳.....	فصل چهارم: یافته های تحقیق
۲۱۴-۲۳۷.....	فصل پنجم: نتیجه گیری

## فهرست تفصیلی مطالب

### فصل اول : کلیات تحقیق

- طرح مساله..... ۲
- ضرورت واهمیت تحقیق..... ۴
- هدف اصلی تحقیق..... ۷
- تعریف هویت وابعادمختلف آن..... ۸
- عناصر هویتی..... ۱۱
- ۱- هویت ملی..... ۱۲
- ۲- هویت دینی..... ۱۳
- ۳- هویت متجددانه..... ۱۴
- تحولات هویتی درایران..... ۱۵

### فصل دوم : چهارچوب مفهومی

- مقدمه..... ۲۰
- رویکردها و پارادایم های نظری هویت..... ۲۰
- ۱- اسمیت..... ۲۰
- ۲- کلنر..... ۲۲
- ۳- کجویان..... ۲۵
- نظریات جامعه شناسان کلاسیک در باره هویت..... ۲۶



- ۱- مارکس ..... ۲۶
- ۲- دورکیم ..... ۲۹
- ۳- کولی ..... ۳۱
- ۴- مید ..... ۳۲
- ۵- پارسونز ..... ۳۴
- نظریات معاصر در باره هویت ..... ۳۷
- ۱- گیدنز ..... ۳۷
- ۲- جنکینز ..... ۴۵
- ۳- کاستلز ..... ۵۳
- ۴- تاجفل ..... ۶۱
- ۵- استرایکر ..... ۶۷
- ۶- پست مدرن ها ..... ۷۲
- ۷- فوکو ..... ۷۶
- ۸- گافمن ..... ۸۱
- عناصر و مولفه های تشکیل دهنده هویت ایرانی ..... ۸۷
- جمع بندی و ارائه چارچوب مفهومی ..... ۹۹

### فصل سوم : روش شناسی تحقیق

- مقدمه ..... ۱۰۲
- روش شناسی ..... ۱۰۳

۱۰۷	روش تحقیق.....
۱۰۷	۱-تعریف روش تحلیل محتوی.....
۱۰۸	۲- تکنیک های انجام تحلیل محتوای کیفی.....
۱۱۰	روش جمع آوری اطلاعات.....
۱۱۲	شیوه تجزیه و تحلیل.....
۱۱۴	روش گزارش داده ها.....

### فصل چهارم: یافته های تحقیق

۱۱۶	مقدمه.....
۱۱۶	چیستی هویت.....
۱۲۸	منظرها و نگاه ها به هویت.....
۱۳۴	بحران هویتی.....
۱۴۶	شاکله هویت ایرانی.....
۱۵۶	غرب و هویت ایرانیان.....
۱۷۴	هویت ملی و هویت ایرانیان.....
۱۹۵	دین و هویت ایرانیان.....

### فصل پنجم : نتیجه گیری

۲۱۵	مقدمه.....
۲۱۵	مروری بر یافته های تحقیق.....
۲۲۲	تجزیه و تحلیل یافته ها.....

۲۳۲	.....	ایرانی و آینده هویتی او
۲۳۷	.....	تحلیل پژوهش و توصیه ها
۲۳۸	.....	منابع

## فهرست جداول

- جدول شماره ۱- تم چیستی هویت ..... ۱۲۷
- جدول شماره ۲- تم منظرها و نگاهها به هویت ..... ۱۳۳
- جدول شماره ۳- معضله یا بحران هویت در ایرانیان ..... ۱۴۵
- جدول شماره ۴- تم شاکله و عناصر هویتی، هویت ایرانیان ..... ۱۵۵
- جدول شماره ۵- تفاوت بین تجدد گرایی و تجدد ..... ۱۶۷
- جدول شماره ۶- تم غرب و هویت ایرانی ..... ۱۷۲
- جدول شماره ۷- خلاصه سیر تفکری هویت ایرانی از منظر طباطبایی ..... ۱۸۲
- جدول شماره ۸- تم ایرانی و هویت ملی ..... ۱۹۳
- جدول شماره ۹- دین و هویت ایرانی ..... ۲۱۱
- جدول شماره ۱۰- ماتریس داده ها ..... ۲۱۳
- جدول شماره ۱۱- طبقه بندی نظریه ها ..... ۲۳۱

## فهرست نمودارها

نمودار شماره ۱- روند تحلیل محتوی کیفی ..... ۱۱۴

**فصل اول**

**کلیات تحقیق**

## ۱-۱) طرح مساله:

«هویت» مفهومی است که می تواند به غایت انتزاعی و مجادله برانگیز باشد. نه تنها در ایران بلکه در سطح نظریات جهانی نیز هر یک از صاحب نظران بنا به چارچوب های روش شناختی متفاوت در حوزه های علوم اجتماعی و انسانی، از منظری متفاوت به آن نگریسته و به یکی از ابعاد و سطوح هویت در وجوه فردی، گروهی، طبقاتی، ملی، فراملی و... توجه کرده اند.

هویت به عنوان یک پدیده اجتماعی و حتی سیاسی در غرب، محصول دوران جدید است و به عنوان یک مفهوم علمی از ساخته های تازه علوم اجتماعی است، هم چنان که داگلاس کلتر بیان می دارد هویت مسئله ای است که از درون مدرنیته سر بر آورده و ابداعی مدرن است (نظری ۱۳۸۶: ۱۲۳).

واژه هویت خود در معنای جامعه شناختی آن دو بعد اصلی دارد: اولین بعد آن بیان گر احساس مفهوم تشابه است و معنای دوم آن به مفهوم تمایز بر میگردد. در واقع، هویت به طور هم زمان میان افراد دونسبت محتمل برقرار می کند: از یک طرف، مفهوم شباهت و از طرف دیگر، تفاوت. هویت همان پاسخ به پرسشی است که کنش گران اجتماعی را قادر می سازد تا به پرسش های بنیادی معطوف به من به مثابه یک شخص در نسبت با دیگری پاسخی مناسب و قانع کننده بدهد. طرح من به مثابه یک (انسان، ایرانی، مسلمان، شیعه و...) نتیجه زندگی اجتماعی انسان ها و بودن در متن یک موجودیت مشترک است که بر اساس آن افراد در صدد فهم جایگاه و موقعیت خویش بر می آیند. « اساساً طرح سوال «که بودن» نتیجه بلافصل ارج شناسی موجودیت فاعل شناسا است» (تاجیک، ۱۳۸۴: ۷).

پس هویت را در می توان در مواجهه با غیر فهمید و در ارتباط با آنها به آن پرداخت و آن را فهم کرد. اشخاص با درک نوعی خودآگاهی در باره هویت خویش، قابلیت و توانایی قوام بخشیدن به شخصیت فردی و اجتماعی خویش را می یابند و با طرح نوعی الگوی معنابخش فکری- رفتاری به ترسیم

گفتمان‌های خاص هویتی می‌پردازند. بدون برخورداری از چارچوب‌های مشخص هویتی، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و مستمر را با یکدیگر نخواهند داشت. هویت در این معنا عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک سری ویژگی‌های فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع دیگر اولویت داده می‌شود. برای هر فرد خاص یا برای هر کنش‌گر جمعی ممکن است چندین هویت وجود داشته باشد، اما این کثرت برای بازنمایی خود و انجام کنش اجتماعی معمولاً در قالب یک الگوی معنابخش نهایی، قابل جمع‌بندی است.

این الگوی معنا بخش نهایی در هویت ایرانی، پیچیدگی‌ها، دشواری‌ها و ناهمسازی‌های خاص خود را دارد. دگرگونی‌ها، تعارض‌ها و تضادها و همچنین افت و خیزهای مداوم مانع از ارائه روایت یکدست، سر راست، ساده و بی‌مساله آن می‌گردد. دلایل این وضع متفاوت و متنوع است و شامل عناصر، عوامل، جریان‌های متعدد و متغیر است. بخشی از این دلایل نظری و مفهومی است، که خود وجوه متفاوتی را شامل می‌شود. بعضی دلایل نظری به ابعاد محتوایی یا روش شناختی مواجهه با مساله هویت مربوط است که در متن اولیه آن یعنی موطن بدوی نظریه پردازی در غرب و یا موطن ثانویه آن در ایران قابل پیگیری است (کچویان، ۱۳۸۷: ۱۶).

عموم متفکرین برآنند که هویت ایرانی از زمان مواجهه با غرب مدرن، دچار مساله شده است، و هنوز نتوانسته هویت خویش را در نسبت با هنجارهای مدرنیته، شکل بدهد. با پذیرش اولیه این نظر، این سؤال مطرح می‌شود که عناصر اصلی فرهنگ غربی در چند سده اخیر، یا آنچه از آن به عنوان "مدرنیته" یاد می‌شود، چه هستند که با گذشت دوران طولانی، هنوز نسبت آنها با جامعه و فرهنگ ایرانی مشخص نشده است. اتفاقاً اینجاست که برخی معتقدند رویکرد فلسفی بیشترین کاربرد را دارد، زیرا در واقع مدرنیته را تحقق فلسفه و عقل جدید دانسته‌اند (داوری اردکانی، ۱۳۷۹: ۴۴).



پس از ورود ارزش های غربی ما با سه الگوی کلی برای هویت ایرانی مواجه بوده ایم. اولی دوران قاجار است که مشخصه اصلی آن تجویز عده ای از روشنفکران مبنی بر اینکه باید از فرق سر تا نوک پا باید غربی شد. دومین دوره با تاکید رژیم پهلوی مبنی بر احیای هویت ملی ایرانی در معنای باستانگرایانه آن و در نهایت با پیروزی انقلاب اسلامی و محوریت اسلام، که به نظر برخی از متفکرین به نوعی مقابله با فرایند تجدد و بست فرهنگ متجددانه بوده است، میل به بازگشت به سنت خالص وجود دارد (ن. ک. بشیریه ۱۳۸۲ و کجویان ۱۳۸۶).

حال در این بین اینکه هویت ایرانی چه مختصات و مشخصاتی خواهد داشت، خود مساله ای ایست که این پژوهش درصدد تشریح آن از منظر متفکرین اجتماعی است. با مروری بر تالیفات صورت گرفته در باره هویت ایرانی، با تشتت و حتی با تضادهایی مواجه می شویم که برخی اوقات این مساله را لاینحل می نمایاند. نظراتی که از منظرهای مختلف و از رشته های متفاوت مانند: فلسفه، جامعه شناسی، علوم سیاسی، تاریخ و ... به این امر پرداخته و این امر را پیچیده و غامض کرده اند.

## ۱-۲) ضرورت و اهمیت تحقیق

از آنجایی که هویت به معنای اجتماعی آن، در عرصه جغرافیای مشترک انسانی و روابط تنگاتنگ و در هم تنیده آنان با یکدیگر شکل می گیرد. هویت جمعی چیزی نیست، جز تعریفی مشترک از میدان فرصت ها و محدودیت ها که به [صورت] یک کنش جمعی عرضه می شود.

اینجا نکته مهم آن است که هویت به معنای جمعی آن، ابعاد نهادین شناسایی جمعی دارد که به عنوان «شیوه بودن» و در عین حال «شیوه انجام کارها» نیز می باشد. ... پس هویت ها معنایی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می دهند و مردم به واسطه آنها نسبت به روی دادها و تحولات محیط زندگی خود

حساس می‌شوند. بنابراین، هویت مشترک، دست‌کم تا حدی هنجاری است، زیرا زمانی که یک فرد برای نمونه خود را شیعه معرفی می‌کند، این توصیف از کیستی، به مثابه عضوی از یک گروه مذهبی خاص نیست، بلکه افزون‌تر از آن به معنای آگاهی از تعهدات، وفاداری به ارزش‌ها و انجام تکالیفی است که به واسطه این عضویت، بر عهده او قرار گرفته است (نظری ۱۳۸۶: ۱۲۹). با توجه به نکات فوق انجام تعهدات هویتی بر چگونگی تعریف و تالیف از هویت جمعی، خصوصاً در سطح ملی، مبتنی است. و چگونگی این تعریف باعث شکل‌گیری گفتمانهای هویتی مختلف که گاهی در برابر دیگران خواهد بود، دوست و دشمن را معنا خواهد کرده. این اهمیت در سطوح بالاتر و در جنبه‌های ایدئولوژیک تر قضیه نمود بیشتری دارد.

از طرفی دیگر انتشار مداوم کتابها، رساله‌ها و مقالات گوناگون، برگزاری نشستها و همایشها و تداوم پژوهش و بررسی در این زمینه مؤید این امر است. از سوی دیگر، تداوم این روند نشان دهنده آن است که نیاز به ارائه پاسخهای مناسب و جامع به سؤالات اصلی در باب هویت ایرانی هنوز وجود دارد بلکه افزایش سطح آگاهی در میان ایرانیان، باعث افزایش تلاش آنها در این زمینه شده است. امروزه پژوهشها و پیمایشهای متعدد جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و سایر پژوهشگران رشته‌های علوم اجتماعی نشان می‌دهد که در جامعه ایرانی مسئله هویت، با توجه به مقتضیات داخلی و خارجی، همچنان موضوعیت دارد (حاجیانی، ۱۳۸۲: ۲۲۰). آنچه که ضرورت دارد این است که فهم ما از هویت مان بر کنش جمعی ما تاثیر گذار خواهد بود. و اینکه هویت ما بر چه مبنایی و نهادینه شده باشد رویکرد و عمل جمعی ما را تغییر خواهد داد.

تمامی کسانی که در فضای اجتماعی ایران قلم زده اند به واقع نسبت به مقوله هویت حساس بوده و تالیفاتی در این زمینه داشته اند. ولی آنچه که مرور اجمالی مطالعات انجام شده در باب هویت ایرانی

نشان می دهد تشتت آراء و اختلافات فراوان در این زمینه است. این امر به خوبی در تحقیقات و چارچوب های نظری به عینه قابل مشاهده است. به طور مثال در مفهوم هویت ملی نظرات بسیار متفاوت و حتی در برخی موارد بسیار متضاد است. برخی مانند افروغ و کجویان هویت ملی را بر ساخته روشنفکران می دانند، در حالیکه رجایی و سروش بر وجود و اصالت آن استدلال تاریخی می آورند. و یا برخی برآند که، یکی از مسایل مهم جامعه و تاریخ ایران، حتی در طول ۲۵۰۰ سال گذشته حفظ هویت ایرانی در تقابل با فرهنگها و تمدنهای دیگر بوده است (قربانی، ۱۳۸۳: ۶۴). و برخی دیگر از تحمیل هویت غربی سخن به میان می آورند که در تقابل با هویت دین مدارانه ایرانی قرار دارد. (افروغ: ۱۳۸۰) و در تقابل عده ای از متفکرین هویت ما را در شکل موزاییکی آن که عناصر هویتی آن هیچ ارجحیتی بر هم ندارد، ترسیم می کنند.

بدیهی است با توجه به تاثیر موضوع هویت در سیاستگذاری های اجتماعی در مسائل کلان ملی و تاثیری که این دیدگاهها بر چارچوب های نظری تحقیقات اجتماعی دارند، شناخت ابعاد هویت و چگونگی پیوند مولفه های مختلف آن با یکدیگر لازم و ضروری به نظر می رسد. شاید بتوان با مطالعه موضوع هویت از دید متفکرین و ارائه تحلیل منظم این دیدگاهها کمکی به این امر صورت پذیرد. زیرا این کار بازنمای نقاط ضعف و قوت دیدگاهها بوده و امکان مقایسه آنها را با یکدیگر فراهم می کند. و علاوه بر این ایجاد یک مجموعه منظم، امکان نقد و بررسی بیشتر این دیدگاهها را برای محققان و آیندگان فراهم خواهد کرد.

حال اگر هویت ما با ورود تجدد دچار تغییر و تحول شده و ما دارای سابقه ای در هویت دینی و ایرانیت خود هستیم، نسبت ابعاد هویتی ما چگونه خواهد بود؟ آیا ما هویت تکه تکه و مرکب خواهیم داشت؟ آیا هویت ما بر مبنای تجدد شکل می گیرد و یا دیگر منابع هویتی نیز در این تکوین موثر است؟

پس ضرورت عمده این تحقیق در این است که ضروری است با توجه به پیچیدگی و چند لایگی موضوع هویت ایرانی با مطالعه تطبیقی در رویکردهای متفاوت، از جمله فلسفی و جامعه‌شناختی، ابتدا مفاهیمی از قبیل هویت ملی و یا دینی و... را از منظر متفکرین تعریف و سپس به مقایسه آنها با یکدیگر می‌توان تفاوت‌ها و تناقض‌ها را در نظریات مشاهده کرد و تلاش نمود با جمع‌بندی منسجم این نظرات، راهنما و شاخصی را برای دیگر محققین معین کرد.

### **۱-۳) اهداف تحقیق**

این پژوهش برآن است تا از دیدگاه متفکرین اجتماعی به مسئله هویت ایرانی بپردازد. بنیان‌های تشکیل‌دهنده هویت ایرانیان را معرفی و به تحلیلی درباره نسبت آنها همت گمارد. و سعی کند مشکل و معضله هویت ایرانی را از دید متفکرین شناسایی و اگر راه‌حلی دارند آنها را یاد آور شود.

**- هدف اصلی:** بررسی هویت ایرانی و ابعاد نظری آن از منظر متفکرین اجتماعی ایرانی است

#### **- اهداف فرعی:**

- ۱- درک هویت از دیدگاه متفکرین ایرانی
- ۲- شناسایی عناصر موثر بر هویت و شاکله هویت ایرانی در آثار این متفکرین .
- ۳- شناسایی نحوه ارتباط این مولفه‌های هویتی با یکدیگر در این آثار
- ۴- ارزیابی مطلوب بودن و یا بحرانی بودن (معضله داشتن) هویت در آثار متفکرین ایرانی
- ۵- شناسایی معضلات و یا راه‌حل‌های ارائه شده برای رفع بحران هویت ایرانی
- ۶- شناسایی منظرگاه متفکرین به مساله هویت (نگاه آنان فلسفی، تاریخی و یا جامعه‌شناختی)